



۲۰۲۲/۰۳/۱۹



خلیل الله معروفی

## جواب برادران عزیز وطندارم!!!

در مناظرات روز ۱۵ مارچ ۲۰۲۲ دو وطندار ارجمند، ایراداتی بر گفته‌های اینجانب، "خلیل الله معروفی"، وارد کرده اند، که اینک میکوشم به اقتناع آن عزیزان بپردازم. در اول میخواستم این نوشته را در هیئت "نظر" و در "صفحه مناظرات"، از نظر عزیزان بگذرانم، ولی وقتی دیدم، که پهنای سخن از یک "نظر متعارف" تجاوز کرد، چاره دیگری نیافتم، غیر ازین، که آن را به حیث "مقاله" عرضه کنم. از جانب دیگر "نظرات" تنها برای مدت معین و کوتاهی در دسترس هستند و بعداً زائل میگردند، مگر "مقالات" عمر طولانی دارند و همیشه قابل دریافت میمانند:

### ۱ - جواب داکتر صاحب "محمد اکبر یوسفی" - از آلمان:

جناب داکتر "محمد اکبر یوسفی" میفرماید:

اسم: دوکتور محمد اکبر یوسفی محل سکونت: آلمان تاریخ: ۱۵/۰۳/۲۰۲۲  
عزتمند مومند صاحب!

سلامونه او احترامات می و منی. سره ددی چی زه تاسی ته او هم هغه محترم لیکوال ته چی تاسی د هغه څخه نقل قول کړی سخت احترام لرم، مگر ډیر نا امیدي را ته پیدا سوه چی د دی جملی په معنی بیخی پوه نه سوم: «مردم بی اندازه دراک و فهیم کابل قدیم، ضرب المثلهایی ساخته و به ارمغان گذاشته اند، که همه حکم «آیت منزل» را دارند و ..» ما تر اوسه پوری په هیڅ ځای کی داسی یو جمله نه لیدلی، چی د یوی ټولنی مجموعی سطح د «درک» محاسبه سوی وی. دا ډول میلان ډیر خطر لری چی د یوی ټولنی برتری پر بلی ټولنی باندی په ذهنونو کی ځای ورکړل سی. د انسانانو د مغزونو قابلیت که تحقیق سوی وی، آرزو لرم چی منبع را ته و بنودل سی. په درناوی، یوسفی، آلمان.

وقتی جناب "داکتر یوسفی" خود اقرار میفرماید، که «مگر ډیر نا امیدي را ته پیدا سوه چی د دی جملی په معنی بیخی پوه نه سوم» و این بدین معناست، که ایشان معنای همان جمله "خلیل الله معروفی" را نفهمیده اند، و اقراری ازین صریحتر و جانانه‌تر وجود ندارد. و بسیار عجیب است، که ایشان بر موضوعی تبصره میکنند، که معنایش را درست درک نفرموده اند!!!

من مقالات محترم "داکتر صاحب اکبر یوسفی" را میخوانم و میخوانم، که از بزرگان بسیار نقل قول میفرمایند؛ و آن هم از بزرگان غرب یا "باخترزمین". با مطالعه مقالات گوناگون و بی‌شمار ایشان مگر بدین نتیجه رسیده ام، که ایشان

"همه" اقوال و سخنان بزرگان - قید میکنم "همه اقوال و سخنان بزرگان" - را نیز درست درک نمیکنند، ولی با آن هم آنها را با همان "درک ناقص و بعضاً نادرست" خود بیرون میدهند!!!

چند ماه پیش بر یکی از کامنتهایم، به زبان ارجمند ملی "پشتو" تبصره فرموده و جملات ناروا و ناگوار و نامتعادلی را به من حواله کردند. چنان، که ضمن کامنت مؤرخ ۱۷ نومبر ۲۰۲۱ خود در خطاب به نویسنده حقتگر ما، جناب «داودجان مومند»، در اشاره به "خلیل الله معروفی" فرموده بودند:

«ستاسی د توجه څخه مننه. زه د یوه بازاری او جنگجو عادت نلرم، چی پر هر چا باندی لاس پورته کړم، ...»  
جناب "داکتر یوسفی" نمیداند، که "پر هر چا باندی لاس پورته کول"، چه معنای زشتی را افاده میکند!!! من معنای این جمله ایشان را توضیح میکنم. «پر هر چا باندی لاس پورته کول»؛ یعنی «بالای هرکسی دست بالا کردن» به معنای "لت و کوب کردن آن کس" است!!!  
ایشان در آخر همان کامنت نوشته بودند:

«دا سړی نور ما ته دا حیثیت نلری چی زه د ده سره کومه مکاتبه یا د افکار تبادله ولرم. ما پر همدی مفهوم باندی اقلأ دری واره اشاری کړی. ده ته که څوک مجرم دی، او زه خبر نه اوسم، او یا د قاضی مقام ولرم، دی څه حق لری چی ما پدی متهم کړی چی گواکی، ما د مجرم حمایت کړی وی. دا سړی څوک دی؟ نور که هر څه و وائی، ما ته ارزش نلری. فکر نه کوم، چی ټول لوستونکی به عقل و نلری.»

این پراگراف سراسر توهین به "خلیل معروفی" است و خصوصاً وقتی میفرمایند، که «دا سړی څوک دی؟» دیگر اوج توهین را به "خلیل الله معروفی" روا میدارد!!! من حکم دیگری نمیکنم، غیر ازین، که:  
جناب "داکتر محمد اکبر یوسفی"، "همه سخنان" دیگران را درست درک نمیکنند و معنای "بعض سخنان" خود را نیز درست ارزیابی کرده نمیتوانند!!!

من همان وقت مقاله ای نوشتم و بر سخنان ناروا و نامتعادل و نکات نامفهوم و ناوارد مقالاتشان انگشت گذاشتم و ضمن مثالهای فراوان ثابت ساختم، که "جناب داکتر صاحب یوسفی" بسا سخنان بزرگان را نیز درست درک و ارزیابی نمیکنند!!! آن مقاله را مگر بیرون ندادم و نخواستم بدین مناسبت تشنج بیشتری بین ما به میان آید. آن مقاله نقد و تیار است و اگر جنابشان بخواهند، آن را منتشر خواهم ساخت!!!

وقتی جناب "داکتر محمد اکبر یوسفی" سخنان بزرگان و "مشاهیر" را درک ناکرده بر آنها تبصره میکنند، سخنان اشخاص کوچک و نامشهوری به مانند "خلیل معروفی"، چه باشد، که زیر نظر ایشان آید!!!!؟؟؟

و اینک جناب داکتر یوسفی ضمن کامنت ۱۵ مارچ ۲۰۲۲ خود در خطاب به جناب "داودجان مومند" میفرماید:

«دا ډول میلان ډیر خطر لری چی د یوی ټولنی برتری پر بلی ټولنی باندی په ذهنونو کی ځای ورکړل سی....»

و اینک جواب مختصر من:

به عرض جناب "داکتر صاحب اکبر یوسفی" برسد، که "مردم کابل" در واقعیت امر، به معنای "مردم افغانستان به شکل متمرکز آن" است، چون "مردم کابل" متشکل میباشند از تمام اقوام عزیز و نجیب وطن محبوب ما، افغانستان، که به مرور صدها سال یک "فرهنگ جمعی شهری" را به وجود آورده اند؛ و این چیزی است، که در نقاط دیگر افغانستان به هیچ صورت سراغ شده نمیتواند!!! من همیشه از "مردم قدیم و فهیم کابل" سخن میگویم، چنان، که در جمله "منقول عنہ" نیز همین کار را کرده ام. معنای این "تقیید" و یا "مقید ساختن" چیست؟؟؟

وقتی "مردم قدیم کابل" میگویم، دقیقاً بدین معناست، که این مردم در طول صدها سال و به مرور قرون متمادی، به صورت "مسالمت آمیز و در صلح و صفاء" باهم زیسته و چنان یک فرهنگ زیبا و پربراری را به وجود آورده اند، که گفته‌های ایشان حکم "دُرّ عدن" و "آیت منزل" را دارد. بلی؛ "ضرب المثل‌های کابلیان قدیم" در بین مردم و جامعه ما چلند و اعتبار و ارزش خاصی دارند، که تا ردیف "آیات قرآنی" تقرب میکنند؛ و مفهوم "آیت منزل" هم چیز دیگری نیست جز همین نکته!!! من دریافت خود را، که مبتنی بر یک عمر مطالعه "زبان و فرهنگ کابلی" میباشد، بیرون میدهم و باکی هم ندارم، اگر مورد اجابت اشخاص "بی خبر از موضوع" قرار نگیرد!!!

باید متوجه بود، که اکثریت مطلق باشندگان امروزی کابل، بر اثر "جنگ و تصادم و خشونت و درگیری چل و چند ساله" بدین شهر گزین پناه آورده اند، که غالباً از "فرهنگ قدیم کابلی" بهره ای ندارند!!! در سه چار سال گذشته مجبوریتی پیدا شد، که به زادگاه نازنینم - "کابل" و به فرموده استاد بزرگ ابوالفضل بیهقی، "حضرت کابلی" - سفر کنم و ضمن چار بازدید در ظرف "یک و نیم سال" و حدوداً اقامت جمعی "ششماهه" در کابل دریابم، که "فرهنگ باشندگان کنونی و امروزی کابل" با "فرهنگ کابلیان قدیم" از بیخ و ریشه فرق دارد!!! "مردم قدیم کابل" با "فرهنگ شما" پرورده شده بودند، ولی باشندگان جدید کابل شدیداً زیر نفوذ "فرهنگ تو" هستند!!!

«تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل!!!»

امید است جناب "داکتر صاحب اکبر یوسفی" متوجه گردیده باشند، که گفته‌های "خلیل الله معروفی" از یک واقعیت مسلم حرکت کرده و هرگز و هیچگاه وجهه "برتری جوئی" ندارند!!!

## ۲ - جواب آقای "احمدسیر کامگار" - از امریکا:

"خلیل الله معروفی" در صفحه مؤرخ ۱۴ مارچ ۲۰۲۲ و بسایت مؤقر "اریانا افغانستان آنلاین" مقاله ای منتشر ساخت؛ و ضمن آن، شعر مشهور «دوست دارم این وطن را!!!»ی "سلیمان لایق" را از نگاه ادبی مورد ارزیابی قرار داد. دو تن از وطنداران بی اندازه عزیزم بر آن مقاله ایراداتی وارد ساختند و با تأسف هردو عزیز به درک سخن نرسیدند:

- یکی جناب "محراب الدین" - از کابل

- و دیگر جناب "احمدسیر کامگار" - از امریکا

به عرض هردو عزیز هموطنم برسانم، که در مضمون بالا سخن بر سر "سخن نغز" است و با "گوینده سخن" و یا "سخنگوی" آن ارتباطی ندارد. من شعر «دوست دارم این وطن را» پسندیده ام و این شعر واقعاً "دلپسند" و "بارزش" هم هست؛ بدون این، که گوینده اش را مطرح کنم. اینجا شاعر مطرح نیست، خود "شعر" مطرح است؛ و همدرینجا از هردو عزیز میپرسم، که آیا شعر «دوست دارم این وطن را» را، زیبا و قابل ستایش میدانند یا نی؟؟؟

اگر جواب "مثبت" باشد، به مرامم رسیده ام و جای "فلسفه‌بافی" باقی نمیماند!!!

من بدین عقیده ام، که «سخن خوب و درست و اصولی»، قابل پذیرش است، بدون این، که گوینده اش را بپرسم. "سخن خوب و درست" اگر از زبان "دشمن" هم برآید، قابل پذیرش است؛ و این نکته ای نیست، که کسی بتواند با "تفلسف" از آن گریز کند!!!

بیشتر از هفت صد سال پیش حضرت "خواجه شمس الدین، حافظ شیرازی" اولین غزل خود را با این مصراع، مطلع زد:

## «الا يا ايها الساقى ادر كاساً و ناولها»

و میدانید، که این مصراع از طبع که برخاسته است؟؟؟

این مصراع از طبع "یزید بن معاویه" برخاسته است، که شاعر زبردست عرب بود، ولو خود "یزید" در تاریخ اسلام نام زشت از خود به جای گذاشته است!!!

میدانم، که "سلیمان لایق" یک "خلقى - پرچمى" دواتشه بود و گذشته سیاسیش چون آفتاب، روشن ولی بسیار زیاد "سیاه و مکدر" است!!!

برای آن عزیزان اطمینان میدهم، که شخص "خلیل معروفی" یکی از دشمنان سرسخت "خلق - پرچم" است، بوده است و این موقف را تا زنده است، نگه خواهد داشت!!! اگر آن عزیزان گرامی به مقالات نهمار و بالاتر از حد شمارم - که تعداد آنها از سرحد یک هزار مقاله هم تجاوز میکند و در طول سی و پنج سال آخر در جرائد مختلف افغانی و در وبسایتهای انترنتی منتشر شده اند - نظری اندازند، بر این نکته وقوف کامل خواهند کرد و جای هیچ شک و تردید برایشان باقی نخواهد گذاشت، که "خلیل الله معروفی" دشمن سرسخت و خونین "خلق - پرچم" و منسوبان آن میباشد!!! مگر این "دشمنی" باعث نمیشود، که سخنان اصولی آنها را هم رد کنیم. شاید هیچ کسی به اندازه "آدولف هیتلر" منفور تاریخ نباشد، و همین "جنایتکار منفور تاریخ" اگر سخن درست گفته باشد، آن را میپذیرم!!! امید است، که با عرضه این سطور مختصر، موقفم در زمینه روشن گشته و برای آن عزیزان هیچ جای شک و شبهه و "فی گرفتن" ناحق باقی نمانده باشد!!!

با محبت فراوان او په درناوی

(خلیل الله معروفی - جرمنی - ۱۸ مارچ ۲۰۲۲)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید